

جای اداره: کسما

مدیر میزافلا حسین کسایی

نگارشات و مکاتیب باید

بنوان ذیل باشد

عوض: جنگلی

نگارشات

۱۳۳۵

بازنخ یوم شنبه غرة شوال ۱۳۳۵

مکته بهت شامی

تخصیص اجرت لوازم

خصوصی با دفتر اداره بهت

مکاتیب بدون

و عنوان پذیرفته نمیشود

ادواتی که جدا از خود بهت

قیمت اشتراک

بحداد ۵۰ قران

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول حسین کسایی

برفتن باید سر مشق بنگران بود نه گفتار

ما بی صبرانه همواره اشتیاق داشتیم که پس از مختصر
ترسیم نواقص مطبوعه گناه با اولین فریضه استی
اقدام کرده مرام و مقصد کلی جمعیت را که بنام اتحاد
اسلام دو سال داندی است با فدا کار بهای
فوق الطافه در جنگل گسیلان گرد آمده و در پی کوزه گفتار
و خارات مادی و معنوی، روحانی و جسمانی مینویسد
گکرده و تا آخرین دقیقه حیات نخواهند کرد
بجامه بهوطن عزیز گوشه سازیم.

تا افراد ایرانی از حال و خیال ما مطلع شده ان
حسن ظنی را که تا امروزه در داخل و خارج محفل
صدات بی پایان فراهم ساخته بخود جلب کرده
تا در تاریخ و قایم وطن بیاد کار با نه ثابت پایدار
بباریم.
جملات چندی بعنوان برات زت مقدمه
بوض فارین گرام میرسانیم تا اگر در بعضی قلوب

و افراد ساده لوحان شک در بی عادت شده
باشه بکلی زایل گردد و اگر توفیقی در هر مورد مستقیم
و غیر مستقیم بلا واسطه یا مع الواسطه از روزنامه جنگل
که زبان بهت و افراد جنگلی است نخواهند نگال
صیبت صریح و میرا از الایش مد عرض جواب
حاضریم.

چندت با باناه مقصدین با باهات خاستگاران
برخی اشخاص فاسد که در هر وقت امثال آنها
زادان است چه در مرکز گسیلان یعنی بهت
و چه در لایسبجان و توابع چه در غرض طوالش
دائری و چه از اقطب قراء و مصبات قریب
و جوار بهت گاهی چند نفر بناگردد و بهترین که علیا
مگر کین آنها از اعضای فاسد و گسیلانی و غریبا
میرم گسیلانند خیل در پرده و بطور پنهان چه جنبه
نفراتی را برای بدنامی بهت اتحاد اسلام برانگیزند
اند که در سایه نقابهای عوام زیب با اسم این
بهت با بعنوان شبه و نمایند و بگلا بهر شجده که مکلن

است چنانکه گاهی شنیده میشود از لالی مبلغی هر قدر
بیشتر قابل هم باشد بتوان اعانه خواست و در پی تبت
صلاح بر میآید تا سلب رحمت و امایش از مردم
کرده از ثبات عوام رانشته نموده و ایجاد یک فقرت
طبیعی در دلهای صاف و پاک ملو از احسانات
حق شناسس بکنند بالاخره اینکار بجز بیهوده
دخیر خواهد گشت محتاج به کار نیست.

بزرگترین ترغیح این مشوره میشود که دشمنان
آدمیت و هواخوانان برج و مرج و مرده شیطن
بازو دهای بسیار غرس میکنند و بجزون جگر ایاری
کرده و طالب شود غمای او هستند هیت!

بگذرد وقت اولیای دولت ایران را در مواقع
مستعد و وقایع بی نظیر مصروف با لفا، این نامه
کرده و از اصطلاحات مشکلات بزرگ و اضی غایبی

باز داشته و این توقع هم گرانها که از یک طرف باید
صرف انتخاب و کلا تشکیک دارالشرای کبری تبدیل
بعضی از حکام مالایق و برادر انداختن چرخهای از
کار افتاده مالیه و تنظیم طرق و شوارع و اعاد
اعتت که از تیره جنگ فافانوزار و پاپه بختانه از تویینا

و دولت متحن ایران در دو سال است متکوب بود
و مذاکرات و قرار دادهای جدید و نسخ و الغای ای
بسیار اختیارات خانه برانداز قدیم و تبایح متطره
از صلح آینه است و غیره و غیره و برف این غریبنا
کرده و حبیب ای عازق بالین ریض را از اصطلاح
مزاج مختصر بزرگ های مصممک و خورد و کار بیجا
مختلف سازند.

آشکار است در رای متمم الوجود کابینه اخیر و خوب
ایرانیان که از منجیات مطلع نیستند فتنه انگیزان

و سخن چنان معلوم الحال به نسبت مذکور و تا یک اندازه
بمقصود خود نائل خواهند شد لا اقل قلوب ثابته
ایرانیان را از این حکامات ترخو خواهند ساخت
عاقبت لایم لایم دار اعظم (سرور انصوری) و سینه لایم
و امثال آنها فرصت خواهند داد که دم جوانی گشت
و نذرت نمایند حتی سین الماکک با و دکتر همین بنا
(این الماکک) و سایر آیتش بیار های متطره الفرصه
بار دیگر و لو آخرین بار و سایر دفعه جوانی غلی باشد
وقت میدهند که دفعه بعد از وی نوبه سرانی کنند
و از میوه خا مال حلال و ملک برزدال خویش که بیجا
میگویند رفت با و آوری کنند.

پس سکوت و انزوا و گوشه گیری ما را از حقوق
حقه خویش محروم خواهد نمود و اگر در بگویم گوی صح
نکته ایم اینک با یک صدای رسا هموطنان عزیز
و اذنه مقصد و مقصود اماسی خود که مضمین اصل احترام
اقدارات ملکنی است مطلع صافه و بطور
روشن و عیبات ما امروزه و از این به بعد خویش
اگاه نموده مواد عمومی و دستوری های بیت انکاد مل
در هر یک بنوبه اش بوش فارین میرسانیم.

اخطار

بیت اتحاد اسلام همیشه از صمیم قلب با این
موضوعه دارالشرای کبری و قوانین موقتی محاکم و اولاد
کودری و شکری مصوبه بیت دولت را مقصدش
شمرده و میسازند چه وقت از جنگل یک باهره
بیتره صده مسلح هیچ نقطه از نقاط رشت و لایمان
و ازلی و طوالش و تمام قرار و قصبات گیلان و غیر
گیلان برای گرفتن اعانه و کمک هیچ اسم در دم
تا امروز نوساده و هر وقت هم مد آینه بخوانند

بفرستند در حال صدق با اعتبار نامه آنکار که جزا
 و کلاً با قوانین جاریه مملکت منافعی نباشد خواهد بود
 هیچ اسم و رسم چه سر او چنانچه خواهش چه به
 تهدید از نقاط دیوره و تقاضای کلی نموده اند
 و تابع تمام او امر مطاعه دولت تو شوک یک ایرانی که
 سر بر سلطنت بوجود علیحضرت قدر قدرت سلطان
 احمد شاه شاه شاه جوانخت مالک مشروطه
 ایران زمین است هیت استخاد اسلام که افراد
 فدکاران جنگلی را اداره میکند دو سال استخاد است
 با انواع صدمات و عقوبات استریک آدو سالیس
 سردار منصور با سپه دارا و سپه سالار با جلا
 و فدا کارهای محیر العقول موفقه ساخته و عاقل نظم
 و قدر دولت ایران و هیت ایران است
 و تقاضای روح و هیت شرمند است و قید بود
 تحریکات خیانتکاران گاهی از گوشه ها و کناره
 رزمه های و قیام شینه می شود در این اواخر است
 با طهران دوستان قدیم (در شیم پوشیده) و آنها
 که میل دارند به هیت استخاد اسلام و افراد جنگلی
 بخندند و عظم در همان حال مجال آنها میگردد
 یکی از شماره های جدید (اینی اقبال) شریک
 ماعین ترجمه آراستار فارین گرام میر صاحب
 نویسنده اند

ترجمه معارف روزنامه (اینی اقبال) منطبق با کوبه مودت
 المبارک ۱۳۲۵ نمره ۶۴۵ صفحه ۲ سبتون ۴-۲-۵۵
 در صفحه ۳ سبتون - ۱

کارهای ایران

گذشت نوشته می شود پس از اینکه کمیته
 محله دست کوچک خان را عضو کرد و کوچک خان

باز هم حکمران است فعلاً در دست حکومت هیت
 حاکم ایران به تهدید کوچک خان استغفا داده است
 قونول (بلوم) از کارش کناره گرفت است
 فعلاً در انزلی هیت چون در کمیته اجرائیه
 واقع شد کاری نمیتواند به هیت اگر چه در کمیته
 قرار بود برای کمیته اجرائیه انتخاب اعضا بشود
 معلوم هیت سبب هیت انتخاب بتاخیر افتاد است
 یکنه حکمران کوچک خان است جنگلی (مؤمن)
 کوچک خان تربیت یک والی مستقل داده است
 از خودش اداره های حکومتی حاکم مکتب
 حتی روزنامه هم دارد

در این روزها هیت کما فی مجاهد در محل
 معروف به کما شروع به نشر روزنامه شده است
 نه تنها اهالی دایره کوچک خان بلکه تمام اهالی شهر
 گیلان برای معاودت با و مراجع میکنند

اشخاصیکه از حکومت اصلی ناپدیدند و هیچ سبب
 گاهی ندارند فقط کوچک خان مراجع میکنند
 کوچک خان هم نمون کردن عیضه دهند
 و پناه انداختن کار آنها با تو که دارد هیت میکند
 مقصرین را توقیف جس جرم میکند در معارف
 روزنامه سعی به جنگلی کوچک خان میگوید
 تا قوتنهای روس از ایران بیرون نروند
 ما در جنگلی نشینیم رو سبها تا بقول خودشان محل
 نکته ما سبب آنها باور نمیکشیم با بهیچکس نمی
 خواهیم هجوم کنیم اما هر کس با هجوم کند
 ما جواب میدیم هر کس بصفت دوستی نزد
 ما بیاید او را قبول میکنیم او را احترام مینمایم
 با نظره یک دکلای کمیته اجرائیه راه حرام کردیم

روز بروز بقوت دست کوچک خان افزوده
 میشود و در روز نفوذ و احترام کوچک خان در
 میان امالی گیلان افزوده میشود و آنرا نفوذ
 کوچک خان هم دست میدهد و غلبی ممکن
 است که گیلان در دست قلی از ایران مجزای
 یک دالی مستقل شود.

این ایام در سکر و دبر کردگی پیر حاجی محمد خان
 تاجر بائی رشت یکده توله وری پیدا شد
 دو سال قبل همین شخص بواسطه قتل از دست
 کرد و با دست خودش امالی دایره لشکر و ده اعلی
 اذیت کرده او را در سابق از مبارزه با آنها
 بود در این روزها از جهان دست کوچک خان
 میکنند کوچک خان فی الفور دست خودش را
 میفرستد تمام قول دور با با هم کرده کرده
 آنها را توقیف یک نفر اکر بان دست کرده
 بودند آنها را هم توقیف میکند فعلا برسی آزاد کردن
 آنها مبلغ کلی میخواهد خیلی از صاحب ثروت
 و خواستگاری در دایره دور شهر بسته نزد کوچک
 خان آمده پول میدهند.

این روزها در انزلی همچنان بزرگی بود اینهم در این
 هجوم آوردن سالدها باید کاکین بطور رسیده است
 سالدها را در بردی سپس مانده برای آنها ترکان
 کرده آنها را از محمی کرده اند امالی و دست قوت
 بنجالی این بودند که طالش با بشهر هجوم کرده اند
 دکان بازاری بسته میشود و امالی شروع میکنند
 خود را از پنهان کردن بعد از گشتی (تقریباً)
 پلیس و طرح می آید پنج نفر را توقیف کرده و بعضی فرار
 میکنند بعد از آنکه در ایستگاه پیر بازار برای

از من سالدها آمده میان سر نشین همچنان
 شروع شد خیلی همچون از چکونکی احوال با خبر
 بودند شروع بفرار نمایند حتی اشیاء خود را
 یک قاصد داده میرودند قطار هم هیچ نظیر نشین
 های خود نند حرکت میکند

در بازار انان فیت هر گاه هم باشد مان
 سیاه آنهم گردانگه یک صفت پول روس است
 (انتی)

جنگل

اینک بنظر انصاف و مردت بمغایین این
 داپرت که بقون (ایران اشیری) از یک طرف قضی
 روزنامه جدیدی فعال نقطه هم تقاضا را اشغال کرده
 و از طرفی اذهان ساده لوحان را با ترسک با
 و افاده های نوحانه نویسنده راپرت مؤثر بسیار
 باید نظر کرد و ما عین ترجمه مقاله را عوضه انظار
 مردم منصف کرده ایم کدام حق کسی بالاتر است
 که یگانه روزند رشید عبود اسلام و ایران حضرت
 آقای میرزا کوچک خان را که بجز حفظ اساس و بنیان
 و اخراجات نامه شئونات دولت عالی ایران
 در قیامت آتیه و تا من شرف ناموس ایرانیان
 قصدی ندارند بچه عنوانات توپن آمیز جلوه
 میدهد نیز زحمات همین دستور پاک فطرت طبع
 احمد آقا را که اساس وطن پرستی و دیانت
 دوستی است و با ازاد جنگلی جنت بیت است
 اسلام بجز خدمت بدین و دولت از زنده نگه داشتن
 تا امروز و تا آخرین نفس منظوری نداشته اند
 پیورده و بدر معونی کرده از یک طرف صبری صفا
 محو نیز احاسات می شناس جنگلی با در باره ملت

آزاد دیکرات روس الوده باواض حیثی که
 خود نموده و در هر فراز بلکه هر کله از زارت مفدا
 تولید یک نفاق تازه خواسته است بکند بایک
 دست دست و داد اتحاد و حق شناسی را
 که ملت قادر توانایی عالم و صدیق حالیه روس
 بایرانی مبتلا، بایرانی رنج کشیده و خانان سوخته
 با یکدیگر استی و درستی خوشبختانه داده اند از
 یکدیگر میخواهد در محال و قاحت جدا کند و از یکطرف
 جنگلی یعنی اولادهای صدیق رشید غیر ابرار
 یکفر متجاوز متدی ظالم حاکم جان موفی کرده
 حتی باین مقدار خیانت هم اکتفا نموده جنگلی ریاضی
 و طاعنی و گیلانرا بعقیده منحوسه میثوبه خود
 از ایران میخواهد بجزا کند و بکلمات سکین
 زال، امارت، حکمرانی، استقلال، نفوذ
 و غیره و غیره مشتم نماید.

هر چه هست از قامت ناسازی اندام ما است
 دشمن را کدام خان امیدوار میکند تا روس
 وقت انگیز راه چهر تجر می میدهد؛ زبان گانویهای
 فادرا چه گویا میکند؛ بی تجربه گی؛ بی شبانی؛
 بی خبری؛ ساده گی؛ ساده لوحی؛

هموطنان

مقصود از اد جنگلی فاحه ستونهای امانت
 دیانت بوستین این اساس حاج احمد آقا
 و تأثیر از گوچکان که این دو نفر خد متکدر صدیق
 ایرانی بجز خدمت باسلام و ایران چیزی نیست
 حفظ حفظ اساس دین اسلام و اتحاد مسلمانان
 اتفاق افراد خد متکدر از ان کتوری و لشکری

است و پس

اشخاص خائن و طماع که موقعی بدست میآورند
 و با دعای سستی نسبت اتحاد اسلام و در سایه
 نقابهای آدم فریب در قراه و قصبه های گیلان
 گاهی با رسم شعبه زمانی بنام نمایندگی بافری
 جعلی و قوی با مکتب خیانتانه مدنی سلب است
 و امانت گیلانی بر میآیند از این ساعت با
 با صدای رسا آنها را خائن دین و دولت ساخته
 و بهوم ملت ایران حیثی شناسانیم و بر زور و
 یعنی پس از اشر شمار و پنج از روزنامه جنگل
 بهوم انالی احطار میکنیم تمام این پارتی بار از
 در دور ابرزن و یاعنی و سمر و او امر مطاع
 شاهنشاه جو اجبت سلطان احمد شاه
 با سخر اطاعت او امر واجب الاطاعه گامینه
 رسمی محبوب ملت ایران خیالی نذاریم تمام فاکتور
 و تحمل صدات شاقه و یگانه آزادی مانت که
 افراد ایرانی دست بدست هم داده مبارزه
 اطاعت و انقیاد را از سلطان مشروطه خواه
 ایران و گامینه و رزای حیثی شناس محبوب ملت
 داشته و تا آخرین نفس این خیال مقدس
 بی تردید و تغییر و تبدیل واجب العمل بنهیم
 آنها که ساری بازی و ادعای عضویت
 باسم های مختلفه و لباسهای گوناگون باین
 رعایای دافله و خار و تو بید اختلاف میکنند
 آنها که دامن باتش هسته میزنند آنها که اسم
 احزاب مختلفه را در گیلان محضو ما بنود گذاشته
 مالی راسته میکنند یول با اسله از مردم میگردد
 عنقریب علی روس الاشها بکفر احمال
 خائانه خود خواهند رسید جمعیت و هیئت اتحاد

حل مسامحه طوالتش و فدا میان ملت و اسلام

آنجا که بر قدر محض هم باشد از سرگذشت دو
 سار نعمت اطلاع اجمالی دارند حتی فارین جریه
 جنگل از اختلافاتی که مانع اتحاد آقای امیرمقتدر
 با فدا میان جنگل بود آگاه شد و میدانند
 یک قطعه بزرگ معتاد به گسیلان بخت آتیرکها
 دستهای دو نیت و نفاق از شرافت برادری
 و برابری و معیت واقعی محروم ماند گاهی بجز یک
 این دو وقتی با فدا آن دو سال تمام بود
 علاوه بر بدبختیهای خارجی مبتلا باین کمیت
 شرم آور اختلاف داخلی بودیم چنانکه ملکه اعدا
 و تحریکات اخیر سردار منصور با سپه دار اعظم
 که در شماره ۳ و ۲ شرح شد و بعد از این مرتبه
 درج می شود بهترین شاه اشیا است ایند عار است
 اگر امیرمقتدر و کسان ایشان و پسر مقتدرین
 طالش حمله میکردند چنانکه مرکز اتفاق افتاد
 به فیر سینه فدا میان اتحاد و اسلام بود اگر
 جنگلی دفاع میکرد و بابت برادران یک آب
 خاک و اولاد یک دین و این یعنی یک فتنه
 بر قدره پیر ساید شاه گاه تیر اجبار و ناچار
 با بیبارتی و تیر بد نمی کند
 یک طینت پاک یک ایرانی همان بنور
 که سرود اتحاد و اتفاق را در فراز و نشیب
 تپه ها و ماهورهای سیلانی و قشلاقی طوالتش
 و فومن ملجن سو شری خواند که صد برادر را
 بیعت و اتفاق دعوت نماید .

اسلام محتاج باین رزالت کاریها نبوده است
 نه از رشت نه از لایحجان نه از ازتری نه از غمته
 طوالتش با مجله ویر چیک از قواد گسیلان باین
 ساعت صبح هجدهم درسم دیناری نخورستند
 ساعتی که در آفتاب به اقدام شروع دست برد
 مطابق تمام قوانین جاریه مملکت و اصول و اصول
 کلی و جزئی و این موضوع در شورای کبری
 که لقبه امال فدائیان ایران است خواهد بود و
 وزرای امین و صدیق وطن دوست ایران
 خاصه وزرای کابینه عالیه پیشقدمهای آزادی
 و مقروض الطاعه اند

ما بنام الهی گسیلان میگوئیم شایان دست اند
 تمام پارتی باری و ششاید یکی باید کشید مرکز
 رشت و تمام قراء و قصبات را بگذارند که بگذرند
 فلاح و زراعت صنعت خدمت مشغول باشند
 انگ نیک در تمام گسیلان دیناری به رسم و رسم میگویند
 داده اند فوراً بوسیله یکی از جراید رشت تا یکی از جراید
 مرکز تهران می تواند مقدار نقد یا جنس که از او
 گرفته شده با شخص گیرنده فوراً اعلان کند افراد
 جنگلی خارج از دایره فومن و فاطمی که محل اجتماع
 آنها است بپسوجه اقدامی که راجع بیکبک ایشان
 باشد از قبیل اسلحه یا پول تا امروز گرفته همه
 ساعتی بخواهند بگیرند مدتهاست یک مرکز ام و
 غنی خواهد بود که تمام امالی قبلاً مطلع خواهند شد
 و ای سیال آن خائنین که با اسم جنگلی در تهران هم
 شروع بگوشش بزی و اخاذی کرده باشد
 جزای خائن در صورت اثبات اعلام است
 پانصد مباد مجازات

سهامی لایحل طالش روز بروز کثرت
 میکرد و چند نفر فیما بین جنگهای سخت اشکانی افتاد
 و طرین تلفات بزرگ را دادند که با آنچه اویم و
 قایح دو ساله را بخت در این شاهه شرح دهیم
 تمام تلفات چه از طالش چه از فدایان جنگل
 از ایران بود برادر برادر خود را هدف تیر نمایی
 قرار میدادند بالاخره در عشا اول رمضان قتل
 معروف جنگل و کتر حشمت از طرف هیت اشکانی
 اسلام ببرد که ده کی یکده سده از فدایان جنگلی
 مامور تصفیه امور طالش شد و چون از اول
 عرشانی رمضان (ماه جاری) با قصای فصل
 امالی غالباً بر حسب عادت بر سیلاب رفته بودند
 و کتر حشمت نیز باد سسته که در تحت فرمان او
 بود به سیلاب رفته جنگ در گرفت مجروحین و
 مقتولین طرین را هر قدر مقدور بود بقاطلی که
 برای معالجه معترض شده بود روانه داشتند
 و کتر حشمت که یکی از فدایان در سگار و کلا
 توجه تمام هیت اشکانی سلام هیت باشد
 حرارت هوا در سگارهای هولناک سیلاب چند
 روز بود که با کمال جدیت شب در روز بدون توقف
 راحت مشول انجام نامورین خود بود و کابجنگ
 بالا کشید در آن معروف حیرت آفریزه که کلین
 با تقریباً نصف فدایان بطرف خودت جنگ روانه
 شدند متین است مسافت از مرکز اجتماع جمعیت
 بعضی از فرس و گسما با سیلاب طالش هم بسیار است
 و هم خط حرکت فوق العاده صعب الراهه و هم پایدان
 صفات آرزو از مرکز بان نشاء غیره حصول و
 طلاوات دهه که ببرد که یکی و تحت فرمان برادر

شجاع حرکت کرده بودند پس از دو روز علی صانفت
 و حرکت لایقطع نقطه معهوده رسیدند و در آن
 محاربه شدت فوق التصور شدید و در نیم گشت که
 مادر این موضع چون تمام قصبه بخیری و خوشی و سعادت
 و شرافت برای طرین فائمه یافته بنیوایم با قلم صیف
 آرائی کرده و شجاعت و شادت برادر را در مقابل
 برادر برشته تخریر داده ایم و این گبر و دار کبرایر تهای سوزنا
 برشت و طهران و سایر نقاط شاهه مانند یک آدم
 منصف و سدیدین در شیده در این میان لازم بود
 که اولاد ایراز را برود عاقبت کار مطلع نماید .
 سرودش اشکانی و سرود برادر کی
 آقای رشید الممالک شکانی که مختصاً لاین همه نوع نیایش
 و شخصی صاحب نفوذ و عقل و درایت و یگانه تهران سبیلین
 مرد و یکی است اولین شجاع غیبی که قدم بیدان اصلاح
 گذاشت ظلم از عهد شکر گذاری خدات این فرزند عبود
 ایران عاجز است و آثار سکنه که هر چه در خصوص
 صفات محدود و اثبات نگوئیم کم گفته ایم پس هیت
 و شجاعت و غیرت اسلامیت این یگانه مرد و اولاً بخضر
 مکاتبه و تحصیل حضرت از تهران آزادی میرزا که کلینان
 بنگرهای فدایان جنگل آمد و بعد از تمام مذاکرات و
 مدتی توقف بطرف آقای امیر معتمد سعادت کرد و سیاحت
 و مسافرت آقای سلطان الواعظین خطابی و آقای شایسته
 سلطان مکارم البیه خطابی و آقای ناصر دفتر خطابی
 آقای شیخ الدوله و آقای انوشیروان خان که کارزودی
 شروع با صلاح و اتحاد و اتفاق فرمودند جنگ از
 طرین موقفاً متار که شد آیات رحمت و سرودش
 و بیانت و سرود یگانگی از طرف آقای رشید الممالک
 با صدائی رسا تمام آنگه و در جوار ابلاغ شد .

تا تو انیم حق محمد تو گفتن - با همه کز بیان عالم بالا
 پس از آن چهار روز رفت و آمد و گفت و شنید و
 اقدام و انجام با نصایح مستفانه و مواظطه مرده آقای
 امیرمقتدر طلاقات برادر رشید خود تهران
 آزادی آقا میرزا که مکنان موفق شدند و دوستی که
 تا ساعتی پیش با حیات یکدیگر طرف بودند چنانکه
 بابت هدیه روح به یک قالب شدند و مراسم
 اطلاق و تحلیف و اتفاق و اتحاد کاملاً بعمل آمد
 و جنگ یکباره و بالکلیه فائز پذیرفت از دستم
 رمضان طوفین با کمال محبت و برادری از تمام
 سواران و خطاهای گذشته گذشتند.

در رکاب تهرانان اسلام و ایران آقا میرزا
 کوکبکان و آقای امیرمقتدر که از امر و جوان
 این از امیرالجهادین نامیده و آقای رشید الممالک
 که اسس اساس این اتحادند و امر و بیکانه محل
 توجه بیت اتحاد و اسلام است و آقای برادر
 سلطان و آقای ناصر و فر و آقای سلطان
 ابو عین و آقای انوشیروان خان و آقای شیخ
 الله دل بیکدل و یکجبهه روز چهارشنبه ۲۸
 رمضان ۱۳۶۵ بکلیه فومن ورود فرموده
 شرح شادی و شفا مالی فومن از ورود این
 فرزندان رشید ایران و استقبال شایسته از
 طرف هیئت فدائی جنگل گسلان آقای حاج احمد
 و تمام سرکردان تمام فدائیان جنگل و شاکردان
 نوآموز این صفحات بعمل آمد بدون از قوه
 قلم است اینک تمام سواران و سرکرده های
 آقای رشید الممالک و آقای امیرمقتدر را بر این
 و صفات ذوالذکرها و در روح و در بکت بدن

در روزی از جنگی فوق التصور و واقعه اخیر
 چون آمد و شرایط اتحاد و اتفاق را کامل
 بعمل خواهند آورد و از این به بعد فکرات و محرمات
 خانانه سپه دار اعظم و سپه سالاران و سپه
 الممالک و دکتر اسمعیل فائزهای باسوس
 اجانب که در اداره روزنامه جنگل ضبط و در
 آتیه بنظر قاریین گرام میرسانیم لو شوقی و
 فومن و طوالش کاملاً در تحت فرمان و اوج
 الازعان شاهنشاه ایران دکابینه و وزاری
 محبوب ملت و دارالشرایع آتیه اند.
 باقی دارد

حضور محترم مدیر روشن ضمیر جریده فیده جنگل
 در است افتخار و تمسبی است که بنام معارف شریف
 در روزنامه مبارک که درج فرمایند.
 قبل از حرکت از دست دبستان و روسی اگر
 در دست در سالیه اجناس و وحدت و مشارکت یاد
 که امالی محترم بخوبی مستحضرنده با سامی مختلفه و بیرون
 نمود موجود و کاملاً از وظیفه فرود بر گذارند
 معارف خواه حقیقی آقای حاجی محمد علی آقا شاعر
 تبریزی و چند نفر دیگر از قبیل آقایان تبریزی
 که فدائیان نیت بعالم معارف مشهور است نمودم
 حاج موهبی الیه از دربار که تاکنون را در دست دارم همه
 قسم مساعدتهای مالی و معنوی با آن دبستان نموده.
 و بنیاد معارف پرژون از راه نامت ایشان کمال زحمات
 را دارند و امیدوارند که در آتیه پیش از پیش در دوام نهند
 و باین تحصیل اطفال آن دبستان معانی بلکه این دبستان که بنام
 نامی زنده کنند زبان پارسی (حکیم ابوالقاسم و در)
 تاسیس شده باید بازند در هر در نظر من اعلی